

نقش بازیگران منطقه‌ای و

فرامنطقه‌ای

در فرآیند دولت سازی افغانستان

مرتضی کریمی

سرشناسه	کریمی، مرتضی، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور	نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دولت‌سازی افغانستان/مرتضی کریمی..
مشخصات نشر	تهران، علوم و فنون رازی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۸۸ صفحه
شابک	978-600-7043-17-2
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۷۳.
موضوع	دولت‌سازی—افغانستان—تاریخ—قرن ۲۰م.
موضوع	Nation-building—Afghanistan—History—20 th century
موضوع	افغانستان—روابط خارجی—قرن ۱۴
موضوع	Afghanistan—Foreign relations—20 th century
موضوع	افغانستان—سیاست و حکومت—قرن ۱۴
موضوع	Afghanistan—Politics and government—20 th century
رده‌بندی کنگره	DS ۳۷۱/۴/ک ۴ ن ۷۰۹۷
رده‌بندی دیویی	۱۵۸.۰۴۷
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۴۱۸



با همکاری

انجمن مطالعات جهان اسلام

نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در فرایند دولت‌سازی افغانستان

نویسنده: مرتضی کریمی

ناشر: انتشارات علوم و فنون رازی

صفحه‌آرایی: کوروش سلطانزاده

چاپ اول: ۱۳۹۷ ، شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۳۱۷-۲

نشانی: سهروردی شمالی - روبروی پمپ بنزین - کوچه شهید تقوی - پلاک ۴۸ - واحد ۱۴

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	فصل اول:
۱۷	مبانی نظری دولت سازی
۲۰	تعریف دولت و نظریه های مرتبط به آن:
۲۱	الف. تعریف دولت
۲۲	ب. بنویسای دولت سازی
۲۳	۱. دولت سازی از درون:
۲۳	۱-۱- نظریه اندام بخشی دولت:
۲۴	۱-۲- نظریه ابزار بخشی دولت:
۲۸	۲- منشاء خارجی دولت:
۳۷	د. سایر مولفه های تاثیر گذار روند دولت سازی در افغانستان:
۴۱	فصل دوم:
۴۱	ظرفیت های افغانستان برای دولت سازی
۴۴	۱. بعد طولی (افقی) دولت سازی در افغانستان
۴۴	الف. از فروپاشی طالبان تا تشکیل دولت موقت:
۴۷	ب. از تشکیل دولت موقت تا تشکیل دولت انتقالی
۵۳	ج. از دولت انتقالی تا تصویب قانون اساسی
۵۷	د. از تصویب قانون اساسی تا انتخابات ریاست جمهوری
۶۰	انتخابات ریاست جمهوری:
۶۱	انتخابات پارلمانی:
۶۷	۲. بعد عرضی (عمودی) دولت سازی در افغانستان
۶۸	الف. بازسازی افغانستان

- ب. تشکیل ارتش ملی _____ ۷۲
- ج. خلع سلاح و ادغام مجدد نیروها _____ ۷۴
- فصل سوم: _____ ۸۱
- چالش‌های دولت سازی در افغانستان _____ ۸۱
- عدم مشروعیت تصمیم گیری رهبران و نبود مکانیسم تصمیم گیری عقلایی: _____ ۹۳
- بازاندیشی درباره دولت و دموکراسی: _____ ۹۴
- دموکراسی در افغانستان: _____ ۹۸
- مهندسی سیاست در افغانستان: دموکراسی انجمنی یا دموکراسی همگرایانه _____ ۱۰۱
- دموکراسی اتمنی: _____ ۱۰۳
- دموکراسی همگرایان: _____ ۱۰۴
- چالش‌ها و بحران‌های افغانان _____ ۱۰۶
- بحران دولنداری: _____ ۱۰۷
- بحران مشروعیت: _____ ۱۰۷
- بحران نظام سیاسی: _____ ۱۰۹
- بحران ناکارایی: _____ ۱۱۱
- بحران توسعه: _____ ۱۱۲
- فصل چهارم: _____ ۱۲۵
- نقش بازیگران منطقه‌ای _____ ۱۲۵
- در فرآیند دولت سازی افغانستان بعد از طالبان _____ ۱۲۵
- بازیگران دخیل در بحران افغانستان قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر _____ ۱۲۷
- گفتار اول: تاثیر سیاست های پاکستان در فرایند دولت سازی در افغانستان _____ ۱۲۸
- اهداف پاکستان _____ ۱۳۲
- منافع پاکستان: _____ ۱۳۲
- ابزارهای پاکستان _____ ۱۳۳

- سیاست پاکستان در فرایند دولت سازی در افغانستان ۱۳۴ _____
۱. نقش پاکستان در فرایند دولت سازی در افغانستان قبل از طالبان ۱۳۴ _____
- ۱.زمینه های داخلی ۱۴۷ _____
- ۱-۱. قوم گرایی و افراط گرایی مذهبی ۱۴۸ _____
- ۲-۲. تأثیرگذاری مدرسه دیوبند ۱۵۹ _____
- الف. نقش پاکستان در ثبات و امنیت افغانستان ۱۶۶ _____
- ب. پاکستان و بازیگران منطقه ای ذی نفوذ در افغانستان ۱۷۱ _____
- ۱.۱. اهداف و منافع هند در تعامل با پاکستان و افغانستان ۱۷۱ _____
- الف- اهمیت افغانستان برای هند ۱۷۱ _____
- ب- افغانستان عرصه تقابل سیاست های پاکستان و هند ۱۷۳ _____
- ج- منافع امنیتی هند در افغانستان و تعامل با پاکستان ۱۷۵ _____
۲. اهداف و منافع عربستان در تعامل با افغانستان و پاکستان ۱۷۶ _____
۳. اهداف و منافع ایران در تعامل با پاکستان و افغانستان ۱۷۷ _____
- اصول کلیدی ایران در تعامل با افغانستان و پاکستان ۱۷۹ _____
- گفتار دوم: تاثیر سیاست های هند در فرایند دولت سازی افغانستان ۱۸۴ _____
۱. نقش هند در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان ۱۸۵ _____
۲. نقش هند در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران پس طالبان ۱۹۰ _____
- الف. افغانستان عرصه تقابل سیاست های پاکستان و هند ۱۹۹ _____
- ب. منافع امنیتی هند در افغانستان و تعامل با پاکستان ۲۰۳ _____
- استراتژی نهایی هند در قبال افغانستان: ۲۰۴ _____
- گفتار سوم: تاثیر سیاست های کشورهای آسیای مرکزی در افغانستان ۲۰۶ _____
- اهداف و سیاستهای کشورهای آسیای مرکزی در افغانستان: ۲۰۷ _____
- گفتار چهارم: تاثیر سیاست های ایران در فرایند دولت سازی در افغانستان ۲۰۷ _____
- چالش ها و فرصت های روند نوین ملت سازی در افغانستان ۲۱۴ _____

۲۱۸	ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران
۲۲۴	اهداف، منافع و ابزارهای ایران
۲۲۴	الف. سیاست اعلامی
۲۲۴	ب. سیاست اعمالی
۲۲۶	اقدامات ایران در روند دولت سازی افغانستان
۲۲۸	فعالیت های بخش کشاورزی ایران در افغانستان
۲۳۰	روان. ایران و افغانستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر
۲۳۲	الف. ایران و سنا. ۱۰۰ های بعد از خروج نیروهای امریکایی:
۲۳۹	فصل پنجم:
۲۳۹	بازیگران/فرامنطقه ای
۲۴۳	گفتار اول: اهداف آمریکا در افغانستان
۲۴۴	سیاست اعلامی آمریکا در افغانستان
۲۴۵	سیاست اعمالی آمریکا در افغانستان
۲۴۵	ابزارهای آمریکا
۲۴۵	رویکرد آمریکا به افغانستان و پاکستان
۲۴۷	همکاری و تعارض در تعامل آمریکا و پاکستان
۲۴۹	سیاست امریکا پس از ۲۰۱۴ در افغانستان و منطقه
۲۵۱	افغانستان و استراتژی آمریکا در دوران ترامپ
۲۵۴	گفتار دوم: اهداف و منافع اروپا در افغانستان
۲۵۶	گفتار سوم: روسیه
۲۵۶	نگرانی امنیتی روسیه در افغانستان و تعامل با پاکستان
۲۶۰	گفتار چهارم: رویکرد چین به افغانستان و پاکستان
۲۶۳	نتیجه گیری
۲۷۳	منابع:

مقدمه

موقعیت سیاسی، جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و قومی افغانستان سبب شده است که این کشور از زمان شکل‌گیری در سال ۱۷۴۷، همواره تحت تأثیر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشته باشد. از سال ۱۹۱۹، که این کشور حاکمیت کامل خود را از امپراتوری بریتانیا به دست آورد تا کودتای کمونیستی ۱۹۷۸، که به دنبال آن شوروی افغانستان را در سال ۱۹۷۹ مورد هجوم قرار داد، افغانستان دوره تقریباً صاحب‌امیزی را تجربه کرد. فروپاشی بلوک شوروی و سقوط رژیم کمونیستی در سال ۱۹۹۱، شرایط جدیدی را برای افغانستان به وجود آورد. افغانستان از سال ۱۹۹۲ تا سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱، مکانی برای رقابت کشورهای منطقه شد. از سال ۲۰۰۱ تا کنون، پس از اشغال این کشور توسط نیروهای نظامی امریکا و ناتو نیز این کشور مکانی برای رقابت میان کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به بهانه مبارزه با تروریسم و بازگرداندن ثبات و امنیت به این کشور شده است.

پاکستان، هند و ایران هر سه کشور به دلایل داشتن مرزهای مشترک و نیز به دلیل نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات قومی و فرهنگی و اختلافات مرزی، از مهمترین کشورهای تأثیرگذار در تحولات افغانستان به شمار می‌روند. از سویی با توجه به اینکه ثبات و امنیت سازی همواره یکی از مهمترین اهداف اکثر بازیگران ذی نفوذ در افغانستان است، این شرایط موجب شده است که تحولات افغانستان بر روی تعامل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با پاکستان، تأثیرات مثبت و منفی داشته باشد. (فرهنگ، ۱۳۸۱: ۴۵)

سابقه روابط این سه کشور با افغانستان به دهه‌های گذشته بازمی‌گردد. به عنوان مثال رابطه دو کشور افغانستان و پاکستان به سال ۱۹۴۷، زمان استقلال پاکستان، بازمی‌گردد. این دو کشور از همان ابتدا باچالش‌های متعددی مخصوصاً در ارتباط با مسائل مرزی و موضوعات قومی و قبیله‌ای مواجه بوده‌اند. مرز طولانی دیورند که

در دوره استعمار بریتانیا بین دو کشور کشیده شد، هرگز به طور رسمی از سوی دولت افغانستان، حتی در دوره طالبان که وفادارترین دولت به پاکستان بود نیز به رسمیت شناخته نشده است. این موضوع لاینحل، از علل اصلی تحرکات پاکستان در افغانستان است. دشمنی بین پاکستان و هند و جنگ‌ها و درگیری‌ها میان دو کشور به سوءظن بین مقامات کشوری و لشکری پاکستان نسبت به انگیزه‌های حضور هند در افغانستان و هر تعامل نزدیک میان این دو کشور افزوده است. (فیاض ۱۳۸۷: ۱۸۰)

مقامات پاکستانی پس از تجزیه بنگلادش در سال ۱۹۷۱، نسبت به تجزیه بلوچ‌ها در غرب و پشته‌ها در ریلایات مرزی شمال غرب کشور نگرانند. علاوه بر مباحث سیاسی، امنیتی و فرهنگی، پاکستان نفع زیادی در افغانستانی دوست و همسویا سیاست‌های خود در غرب اقتصاد دارد؛ زیرا باعث خواهد شد که کالاهای پاکستانی به بازارهای آسیای مرکزی راه پیدا کنند. همچنین پاکستان می‌تواند از منابع چشمگیر برق و انرژی منطقه نیز منتفع شود. پاکستان به عنوان یکی از مهمترین همسایگان افغانستان، طبیعتاً از تحولات صورت گرفته در افغانستان تأثیر گرفته و متقابلاً تأثیرگذار بوده است. (فرزین نیا، ۱۳۸۶)

تحولات سالهای اخیر نشان از نقش تأثیرگذار ایران، هند و پاکستان در تحولات افغانستان دارد. یکی از معضلات داخلی پاکستان نقش بسیار زیاد ارتش و "آی. اس. آی" در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این کشور است. تاکنون نیز علیرغم تلاشی که جهت مبارزه با تروریسم القاعده صورت گرفته است، برخی معتقدند که این کشور شاهد همکاری پنهانی برخی از مسئولین ارتش و آی. اس. آی با گروه‌های تروریستی القاعده و طالبان می‌باشد. تحولات پاکستان می‌تواند تأثیر مثبت و منفی در ثبات و امنیت افغانستان داشته باشد. دلیل این مدعا؛ یکدست نبودن سیاست در پاکستان و تبعات ناشی از آن، استفاده شورشیان افغانی از پناهگاه پاکستانی برای

اقامت خود (نمونه آن کشته شدن بن لادن در پناهگاه خود در پاکستان) و نفوذ در مناطقی از افغانستان از جمله در شمال این کشور که سابقاً در آنجا نفوذ نداشته‌اند است. از این رو، این عوامل می‌تواند در تداوم بحران در افغانستان و عدم موفقیت در روند استقرار ثبات و امنیت سازی در افغانستان، نقش زیادی داشته باشد. طالبان به عنوان مهمترین بازیگر غیر دولتی در صحنه افغانستان، در جهت شکل‌دهی به یک دولت دوست یا برهم زدن ثبات و امنیت در این کشور، در سیاست خارجی پاکستان اهمیت دارد. (عظیمی، ۱۳۸۲)

از سوی دیگر، فعالیت ایران در برنامه‌ها و پروژه‌های بازسازی افغانستان بیش از بعضی از دیگر بازیگران حاضر در افغانستان جنبه عملی به خود گرفته است. هدف ایران کمک به تثبیت دولت مرکزی و گسترش ثبات و امنیت در افغانستان بوده است. زیرا منافع ایران در پرتو امنیت نیرومند و همچنین افغانستانی با ثبات و امن خواهد بود نه کشوری بی ثبات و تهدیدگر و فاقد دولت. هر چند که با وجود ثبات و امنیت در افغانستان نمی‌توان از امنیت بطن برای ایران از ناحیه این کشور حرف زد. اما عقیده بر آن است که هر زمان دولت مرکزی قوی و با ثبات در افغانستان قدرت را در دست داشته، ایران خاطر آسود، ترس نسبت به افغانستان داشته است. (ظریف و سجادی پور، ۱۳۸۷)

جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از سایر کشورها با مقوله «زاری همسایه شرقی» مرتبط بوده و اصولاً تأمین امنیت و منافع خود را در گرو ایجاد درونی با ثبات و رو به توسعه در این کشور می‌بیند. رشد اقتصادی و توسعه افغانستان، بازگشت بیش از دو میلیون پناهنجوی افغان به موطن خود را به همراه دارد و به کاهش تولید و ترانزیت مواد مخدر، شرارت‌ها و ناامنی ناشی از آن در شرق ایران می‌انجامد و بازار مطمئن و بزرگی بر روی کالاهای ایرانی می‌گشاید (بررسی روابط ایران و افغانستان، ۱۳۸۲: ۳). در عین حال نقش آفرینی ایران در عرصه بازسازی

افغانستان با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است؛ نخست آنکه مقوله بازسازی این کشور به شدت تابع ملاحظات سیاسی و تعامل قدرت‌های بزرگ و منافع آنان در افغانستان است. عواملی مانند حضور همه‌جانبه آمریکا و نفوذ آن بر دولت کابل، رقابت پاکستان با ایران و گذراندن خطوط انتقال انرژی آسیای مرکزی از طریق افغانستان و پاکستان در جهت کاهش موقعیت و نقش ایران عمل می‌کنند. مانع دیگر، ضعف و ناکارآمدی اقتصادی ایران در عرصه فناوری پیشرفته، سرمایه‌گذاری خارجی و کمبود نقدینگی، نبود مکانیزم بازاریابی، وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر و نبود سازوکارهای و عدم هماهنگی است. (ملازهی، ۱۳۸۷)

آن گونه که با تمام نامت‌رسمی ایران اعلام داشته‌اند، جمهوری اسلامی در افغانستان سیاست‌ری کارآوردن دولت مورد نظر و وابسته به خویش را دنبال ننموده است. بلکه اساس این سیاست بر شکل‌گیری یک دولت فراگیر که حقوق تمامی اقوام و ملیت‌ها را برآورده سازد، استوار می‌باشد. هر چند افغانستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی‌اش برای تأمین منافع اقتصادی ایران در منطقه و فعالیت‌های فرهنگی این کشور از اهمیت جدی برخوردار است، اما به دلیل آن که با روی کارآمدن یک دولت فراگیر و برقراری امنیت در منطقه، زمینه‌های تأمین این اهداف فراهم می‌گردد برای جمهوری اسلامی ضرورتی وجود ندارد تا با سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و ایجاد شبکه‌های وابسته به خود این اهداف را دنبال نماید. برقراری صلح و امنیت در افغانستان که خواست اصلی جمهوری اسلامی است، این کشور را قادر می‌سازد تا فرآیند همکاری منطقه‌ای خود با کشورهای منطقه و آسیای میانه را از طریق سازمان اقتصادی اکو دنبال نماید و از طرف دیگر ایجاد امنیت در افغانستان زمینه‌های فعالیت سیاسی و فرهنگی ایران در منطقه و آسیای میانه را هموار خواهد کرد. بنابراین، آنچه هدف اصلی این سیاست را شکل می‌دهد ایجاد نظم و امنیت در منطقه در پرتو شکل‌گیری یک دولت فراگیر متشکل از احزاب،

اقوام و ملیت های ساکن در افغانستان است. استراتژی همکاری منطقه ای ایران در قبال کشورهای آسیای میانه که از طریق راه اندازی، توسعه و تکمیل حلقه های تجاری در داخل اکو دنبال می شود، ایجاب می کند که هر نظام سیاسی که در افغانستان در تلاش برای براندازی این همگرایی برآید برای جمهوری اسلامی قابل قبول نباشد. با توجه به این که افغانستان با تلاش و مساعدت جمهوری اسلامی، در دوران حاکمیت برهان الدین ربانی به حلقه تجاری اکو پیوست و امروز عضو این سازمان منطقه ای است.

هند نیز در فرایند دولت سازی افغانستان نقش های متعددی دارد. هند که از سیاست پاکستان منعی بر بهره برداری از سرزمین افغانستان به حیث پایگاه آموزشی برای نیروی پستانل ششمیری علیه تمامیت سرزمینی خود بویژه در کشمیر، آگاهی داشت؛ شرایط سه جانبه افغانستان پساطالبانی - القاعده ی - آی ای آی زیر سایه ی امریکا راغنیمت شمرده به تحکیم موقعیت خود در این کشور پرداخت. پرسمانی که باعث نگرانی نظامی های پاکستانی و مشوق آن ها شده است تا بیشتر از پیش به تقویت طالبان، القاعده و تند روی مذهبی در خاک خود در جهت بی ثبات کردن افغانستان و گه گاهی هم به صادر کردن تروریسم، به هندوستان مبادرت ورزد. از همه مهمتر اینکه، نظامی های پاکستانی هم تنها روی مذهبی را در خاک خود فربه کرده اند و هم طالبان افغانی را بازسازی و پشت به آن ها طالبان پاکستانی را برای آموزش و تطبیق برنامه های تروریستی به تردد نظر خود به افغانستان اعزام کردند. (ملازهی، ۱۳۸۶)

سیاست واقع گرا حکم می کند که همسویی سیاست خارجی کشورها و استفاده از ابزارهای سیاست خارجی بر مبنای منافع ملی و امنیت ملی با امنیت منطقه ای به نفع امنیت ملی کشورها تمام می شود، چنان که ناسازگاری الگوی امنیت منطقه ای با الگوی امنیت ملی می تواند به تضعیف امنیت ملی بیانجامد و نقاط مشترک میان

کشورها را از حالت همکاری بر مبنای حسن همسایگی به واگرایی تبدیل می‌کند. بدون تردید امنیت ملی سه کشور هند، پاکستان و افغانستان در رأس اولویت‌های اهداف ملی این کشورها در سیاست خارجی قرار دارد و هر نوع تصمیم آنان را متأثر می‌کند. الگوی امنیت منطقه‌ای با الگوی امنیت ملی این کشورها که منافع ملی متضاد دارند، ناسازگار است. تعارض الگوهای امنیت ملی و منافع ملی کشورها نه تنها غیر قابل جمع هستند، که این کشورها را میان منافع ملی و همگرایی منطقه‌ای، در وضعیت متناقضی قرار می‌دهد. اختلاف دو کشور یعنی پاکستان و هندوستان بر سر موضوعات و مسایل مهم منطقه‌ای مانند کشمیر جدایی پاکستان از هندوستان با هویت جدید نه تنها مسأله مهمی را به نام کشمیر میان دو کشور پدید می‌آورد، بلکه باعث شد این دو کشور در اطراف خود همه چیز را بُعد امنیتی ببخشند. در دو کشور از سالیانی طولانی با بازی بُرد- بُرد و باخت- باخت به فکر بلوکه کردن منافع حیاتی خود از صحنه سیاسی هستند و در چنین حالتی بایستی میدان بازی مناسبی برای تقابل خود داشته باشند. بُرد کشور «الف» به معنای باخت کشور «ب» در محیط کشور «ج» (افغانستان) محسوب می‌شود. هند و پاکستان از ناحیه کشمیر که منطقه محل نزاع میان دو کشور به‌شمار می‌رود، محیط بازی را به افغانستان انتقال داده و با کمر بستن به تهدیدات خود را علیه هم در افغانستان افزایش می‌دهند.

الزامات استراتژیک ناشی از موقعیت «افغانستان»، همواره عنصر مهمی در تصمیم‌گیری بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در خاور میانه بوده است؛ از این رو می‌توان گفت که «بازی بزرگ استراتژیک» کنونی در افغانستان، ترسیم‌کننده معادلات آینده امنیتی و استراتژیک خاورمیانه و حتی مناطق پیرامون آن طی قرن ۲۱ خواهد بود. در سطح تحلیل کلان، استراتژی هژمونیک آمریکا و متحدین در منطقه، الزامات منافع ملی کشورهای همسایه؛ در سطح میانی تغییرات شکلی و به ویژه

ماهوی در ساختار سیاسی افغانستان و در سطح خرد، جا به جایی متغیرهای تأثیر گذار بر ساختار سیاسی افغانستان نوین، موجد هنجارها و ساختارهای جدیدی در سیستم تابع منطقه ای شده است . (کورسکی ، ۱۳۸۷)

با توجه به موقعیت استراتژیک افغانستان و تأثیر امنیت آن بر کشورهای همسایه ، ضرورت دارد تا به فرایند دولت سازی در افغانستان پرداخته شود. در این رابطه، سوالات قابل طرح در این کتاب بدین ترتیب مطرح می شوند:

۱- چگونه سیاست خارجی پاکستان، ایران و هند در فرایند دولت سازی در افغانستان تأثیرگذار بوده است؟

۲- فرایند دولت سازی در افغانستان بر امنیت ملی بازیگران منطقه ای (ایران ، هند و پاکستان) چگونه تأثیرگذار است؟

۳- سیاست خارجی بازیگران منطقه ای (ایران ، هند و پاکستان) در قبال فرایند دولت سازی افغانستان چگونه تحت تأثیر بازیگران منطقه ای بوده است؟
در پاسخ به سوالات فوق می توان این فرضیه را مطرح نمود که سیاست خارجی بازیگران منطقه ای مانند پاکستان، ایران و هند در فرایند دولت سازی در افغانستان تأثیرگذار بوده است.

تحولات دهه های اخیر نشان از نقش تأثیرگذار ایران، هند و پاکستان در تحولات افغانستان و فرایند دولت سازی در این کشور دارد که این کتاب به کنکاش پیرامون آن خواهد پرداخت.